

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله:

چگونگی دلالت آیه «لیظهره علی الدین کله» به غلبه دین اسلام بر سایر

ادیان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

محقق:

سمیه محمدنیا

مرکز تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها

نشانی صندوق الکترونیکی: s.mohammadnia@chmail.ir

شماره همراه (نویسنده مسئول): ...

تاریخ تدوین: ...

چکیده:

امروز یکی از مباحث جهان اسلام، هجمه هایی است که بر دین اسلام وارد شده و شبههاتی مبنی بر عدم برتری دین اسلام بر دیگر ادیان است.

در بررسی آیات قرآن، یکی از موارد آیه «**ليظهره على الدين كله**» در سوره های توبه، فتح و صف است که بر برتری و تسلط دین اسلام بر دیگر ادیان در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد.

در این مقاله با محوریت آیه مذکور، به اثبات برتری دین اسلام پرداخته می شود. روش تحقیق بر اساس راهبرد یا جهت گیری کلی در شیوه پردازش اطلاعات، تحلیلی است. زیرا با تحلیل آیات و روایات استخراج شد.

تحقیق، از نظر موضوع، دینی، اسلامی و قرآنی است.

روش تحقیق بر اساس راهکارها یا نوع فعالیت اجرایی در زمینه گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه ای است؛ زیرا از طریق بررسی منابع و متون مختلف، مسأله تحقیق تبیین شده است.

نوع تحقیق بر اساس نگرش ها، بنیادی است؛ زیرا در راستای کشف حقایق، بیشتر به رشته تحریر در آمده است. با توجه به بررسی این سه آیه و روایات، برتری دین اسلام بر دیگر ادیان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد و این آیات خبر از آینده می دهند.

کلیدواژه: ظهور، برتری، دین اسلام، ادیان، توحید، استکبارستیزی.

مقدمه

امروز یکی از مباحث جهان اسلام، هجمه هایی است که بر دین اسلام وارد شده و شبهاتی مبنی بر عدم برتری دین اسلام بر دیگر ادیان است.

لذا این ضرورت احساس شد که با ادله قرآنی و بررسی در آیات و روایات به عنوان اصلی ترین منابع به اثبات برتری دین اسلام بر دیگر ادیان، پرداخته شود.

در بررسی آیات قرآن، یکی از موارد آیه «**ليظهره على الدين كله**» در سوره های توبه، فتح و صف است که بر برتری و تسلط دین اسلام بر دیگر ادیان در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی دلاله دارد.

در این مقاله با محوریت آیه مذکور، به اثبات برتری دین اسلام پرداخته می شود.

نکاتی که در نگارش پژوهش حاضر رعایت شده است:

۱- منابعی که در تعریف و تبیین ماده «ظ ه ر» مورد مطالعه قرار گرفته اند عبارتند از سه گروه که در ذیل ذکر می شوند:

الف) فرهنگ لغت های عمومی - عربی: العین خلیل بن فراهیدی، لسان العرب ابن منظور، مقایس اللغه ابن فارس.

ب) فرهنگ لغت های قرآنی - حدیثی: مجمع البحرین طریحی، قاموس قرآن قرشی، مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی، التحقيق فی کلمات القرآن حسن مصطفوی.

ج) تفاسیر متقدم و متأخر شیعه و سنی (به خصوص تفاسیر روایی)

با توجه به اینکه در مطالعات تفسیری، توجه به سیر زمانی کتب تفسیری حائز اهمیت است، در این بررسی از تفاسیر متعدد روایی و غیر روایی متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت به ترتیب قرن؛ تفسیر القمی (قرن ۳)، تفسیر فرات الکوفی و کتاب التفسیر عیاشی و جامع البیان فی التفسیر القرآن طبری (قرن ۴)، التبیان فی تفسیر القرآن طوسی (قرن ۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن طبرسی و مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) فخر رازی و الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل زمخشری (قرن ۶)، البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی (قرن ۱۱)، تفسیر نور الثقلین حویزی و تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب قمی مشهدی (قرن ۱۲)، المیزان فی تفسیر القرآن طباطبائی (قرن ۱۴) استفاده شده است.

۲- از ترجمه قرآن آقای محمد مهدی فولادوند، در ترجمه آیات استفاده شده است.

روش تحقیق بر اساس راهبرد یا جهت گیری کلی در شیوه پردازش اطلاعات، تحلیلی است. زیرا با تحلیل آیات و روایات استخراج شد.

تحقیق، از نظر موضوع، دینی، اسلامی و قرآنی است.

روش تحقیق بر اساس راهکارها یا نوع فعالیت اجرایی در زمینه گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه ای است؛ زیرا از طریق بررسی منابع و متون مختلف، مسأله تحقیق تبیین شده است.

نوع تحقیق بر اساس نگرش‌ها، بنیادی است؛ زیرا در راستای کشف حقایق، بیشتر به رشته تحریر در آمده است.

۱- مفهوم «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در فرهنگ لغتها

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۱ همان ظهور در دین خدای متعال است که به معنای خضوع و فرمانبرداری در مقابل مقررات تعیین شده است و عبارتند از: تعبد و تسلیم خاص کاملاً آشکار و واضح و بدون هیچ ابهام. ضمیر «ه» در «لِيُظْهِرَهُ» به «الدین» برمی‌گردد، زیرا منظور و مقصود از ارسال رسول همین است و همینطور طبق قاعده «الأقرب يمنع الأبعد»، کلمه «الدین» مرجع ضمیر است و برگشت ضمیر به «الرسول» مناسب و صحیح نیست. مراد از آیه، آن است که حقانیت دین آشکار می‌شود تا نور آن و هدایت‌گری آن در میان مردم در مقابل ادیان دیگر، تکمیل شود.^۲

به نظر راغب «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» صحیح است که از بروز و همچنین از معاونت و غلبه باشد «پس معنی آن اینطور است: «تا بر همه دین‌ها، آن را غلبه دهد».^۳

در ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، آمده است: در توضیح آیه فوق، با توجه به آیات قبل و بعد آن می‌فهمیم که خداوند به پیامبرش وعده می‌دهد که نمی‌گزارد مشرکین، کفار، یهود و نصاری، دین اسلام را که همان نور خداست و دین حق است خاموش کنند؛ بلکه «إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ»^۴ یعنی جز اینکه خداوند آن را تمام خواهد کرد و دین خدا چه از نظر حکم و چه از نظر عمل به آن، وقوع خواهد پیوست و این خود یکی از مغیبات قرآن است. اما اتمام و اکمال دین که همان «عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۵ است، در آخرین آیه‌ای - آیه ۳ سوره مائده - که بر رسول خدا ﷺ نازل شد، فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۶ و باز فرمود: «الْيَوْمَ يَتَسَّ الدِّينَ كَفَرُوا»^۷ پس تا نزول تمامی آیات قرآن، خداوند بر تمام دین و نور خود، رسول ﷺ را با دلایل، و براهین و بینات، حمایت و غلبه داده است.

۱- فتح (۴۸) آیه ۲۸؛ صف (۶۱) آیه ۹؛ توبه (۹) آیه ۳۳.

۲- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۷، ص ۲۲۱.

۳- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۱.

۴- توبه (۹) آیه ۳۲.

۵- همان، آیه ۳۳.

۶- مائده (۵) آیه ۳.

۷- همان.

نکته دیگر اینکه «دین» یکی بیش نیست و در قرآن هم واژه دین به لفظ جمع نیامده است. بدیهی است با اكمال آیات قرآنی و نزول آن پیوستگی سلسله انبیاء که همگی رسالت ابلاغ دین خدا را داشته‌اند به صورت حکم و قانون به اتمام رسید؛ اما از جهت عملی و اینکه بر پهنه زمین جز اسلام دینی و پرچمی و حکومتی نباشد، هنگام ظهور مهدی آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام است که همه به اسلام اقرار می‌کنند.^۸

۲- مفهوم «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در تفاسیر با تکیه بر آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۲۸ سوره فتح و آیه ۹ سوره صف

مطالعه تفاسیر منتخب شیعه و اهل سنت مشخص نمود؛ مفسران عموماً، علاوه بر بیان مفهوم لغوی با توجه به بافت آیات به بیان ترجمه ماده «ظ ه ر» در آیات مورد نظر خود پرداخته‌اند، که در برخی موارد، معنای بیان شده فقط مصداقی از «ظهور» است و برخی موارد نیز بیان ویژگی‌هایی است که مفسر، متناسب با بافت آیات، روایات مورد نظر و مبانی فکری و اعتقادی خویش، آن‌ها را بیان نموده است.

آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۹ ۳ بار به معنای غلبه دین حق بر دیگر ادیان در ۳ آیه کاملاً مشابه که فقط آخر آیه ۲۸ سوره فتح «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» با آخر آن دو آیه «لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» فرق دارد، آمده است.

منظور از ضمیر «ه» در «لِيُظْهِرَهُ» امام می‌باشد، با این تأویل و تعبیر که فعل امام همان فعل رسول است که خداوند به وسیله او، همه دینش را آشکار و برتر می‌کند؛ پس زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.^{۱۰}

در تفاسیر، روایات زیادی است که منظور از این آیه را ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ذکر کرده‌اند که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» روایت کرده:

«وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ، فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْنِي»^{۱۱}؛ به خدا سوگند هنوز تاویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آنکه قائم عَلَيْهِ السَّلَام خروج کند، وقتی قائم عَلَيْهِ السَّلَام

۸- غلامرضا، خسروی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۴ جلد، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، پاورقی ص ۵۳۸.

۹- توبه (۹) آیه ۳۳، فتح (۴۸) آیه ۲۸، صف (۶۱) آیه ۹.

۱۰- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۱۷.

۱۱- تفسیر فرات الکوفی، ص ۶۵۸؛ کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۸۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۷۰؛ تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، ص ۶۶۳؛ محمد بن علی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ۲ جلد، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۶۷۰، ح ۱۶؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

گردانید، آن چنان که در حال ضعف دین و کمی یارانش وعده این را داد. با (الدین) جنس دین‌ها را اراده کرد و برای همین الف و لام بر آن داخل کرد.

مجمع‌البیان در توضیح آیه ۲۸ سوره فتح «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى» یعنی خداوند رسول خود را با دلیل روشن و برهان واضح (بعضی هم گفته‌اند با قرآن) فرستاد. «وَدِينِ الْحَقِّ» یعنی اسلام. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی تا دین اسلام را با حجت‌ها و برهان‌ها بر تمامی ادیان ظاهر سازد، بعضی گفته‌اند: اسلام با پیروزی و قوه قهریه و گسترش در سرزمین‌ها بر ادیان پیروز شود.

بعضی هم گفته‌اند همه آیه، به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که دیگر دینی بجز اسلام در روی زمین باقی نخواهد ماند. «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» و خداوند برای شهادت آن کافی است.^{۲۸}

فخر رازی می‌گوید: أَظْهَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ؛ یعنی خداوند مسلمانان را بر مشرکان برتری داد و «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» از همین گونه است؛ یعنی برای اینکه آن (دینش) را برتری دهد. و قول درست در اینجا، این است که کسی که بر دیگری غلبه کند صفت کمال برای او حاصل می‌شود، و کسی که این گونه شد، نفسش ظاهر می‌شود و آن شخص دیگر از او مغلوب می‌شود و مانند ناقص (در مقابل کمال شخص پیروز) می‌شود، و شخص ناقص نفسش ظاهر نمی‌شود و نقصانش پنهان می‌ماند.^{۲۹}

فخر رازی در مفاتیح الغیب منظور از «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» برتری یافتن دین اسلام بر سایر ادیان به طوری که بر آنها غالب شود، بر مخالفان و افراد ضد ادیان و نیز بر منکران ادیان، غالب و پیروز شود.

بدان که ظهور و برتری هر چیزی بر غیر خودش، گاهی با حجت و برهان است، و گاهی به وسیله کثرت و وفور، و گاهی با غلبه و استیلا؛ معلوم و واضح است که خداوند، ظهور و برتری با غلبه و استیلا را بشارت می‌دهد، و جایز نیست، مگر به یک امر مستقبل که حاصل نشده، بشارت دهد، و ظهور این دین با حجت، مقرر و معلوم است، پس واجب است واژه ظهور، با غلبه همراه باشد.

و اگر اشکال شود، ظاهر عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» اقتضا دارد که بر همه ادیان غالب و پیروز باشد، در حالی که این طور نیست، پس اسلام بر سایر ادیان در سرزمین‌های هند و چین و روم و سایر سرزمین‌های کفر، غالب نخواهد بود.

می‌گوییم به این اشکال به چند صورت پاسخ دادند:

وجه اول: اینکه هیچ دینی بر خلاف اسلام وجود ندارد، مگر اینکه مسلمانان بر آن مقهور شوند و در بعضی مواضع بر آن چیره شوند، اگرچه در همه موارد و مواضع‌شان این گونه نباشد؛ (به عنوان نمونه) قوم یهود آنها (مسلمانان) را مغلوب کردند و آنها را از سرزمین‌های عرب اخراج کردند، و قوم نصاری بر سرزمین‌های شام و ممالکی که مسلمانان حکومت آنجا را در دست داشتند یعنی تا روم و غرب غلبه کردند (و تصرف نمودند)، و

۲۸- مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۹۲.

۲۹- مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۵۳۲.

مجوس بر ملک آنها پیروز شد، و بت پرستان بر بسیاری از سرزمین‌های مسلمانان اعم از ترک و هند غلبه کردند، و همینطور نیز سایر ادیان، پس ثابت شد که آن چیزی که خداوند در این آیه از آن خبر داد، واقع و حاصل می‌شود و این آیه جمله خبری است که از غیب خبر می‌دهد و معجزه است.

وجه دوم: در پاسخ ابو هریره می‌گوید: این وعده از جانب خداوند متعال است که اسلام را بر همه ادیان برتری دهد.^{۳۰} و همه این موارد هنگام ظهور عیسی عَلَيْهِ السَّلَام اتفاق می‌افتد.

سدی می‌گوید: این موارد هنگام خروج و ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام حاصل خواهد شد، هیچ کس بر روی زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه داخل در دین اسلام و مسلمان شود یا در صورت مسلمان نشدن حکومت اسلام را بپذیرد و خراج بپردازد.

وجه سوم: تا دین اسلام در جزیره العرب بر همه ادیان غالب و ظاهر شود، و به تحقیق این امر حاصل می‌شود؛ زیرا خداوند متعال در جزیره العرب، احدی از کافران را باقی نمی‌گذارد.

وجه چهارم: مراد از «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» این است که او را واقف بر همه شرایع دین قرار می‌دهد و او را به طور کامل بر آن شرایع، آگاه و مطلع می‌سازد تا آنکه هیچ چیزی از آن شرایع، بر او مخفی نماند.

وجه پنجم: منظور از «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» این است که با حجت و بیان، ظاهر می‌شود و غلبه می‌کند، ولی این نظر ضعیف است؛ زیرا این آیه وعده می‌دهد به اینکه خداوند متعال این کار را خواهد کرد و غلبه با حجت و بیان از ابتدای امر حاصل می‌باشد، و می‌توان این طور به این وجه پاسخ داد که در ابتدای امر به علت ضعف مؤمنین و استیلا و تسلط کفار و مانع شدن کفار برای تأمل در دلایل و نشانه‌ها توسط سایر مردم، شبهات بسیار است، اما پس از قوت گرفتن دولت اسلام، کافران ضعیف خواهند شد و شبهات نیز کم و ضعیف می‌شود، بدین ترتیب دلایل اسلام قوت می‌گیرد، پس مراد از آن بشارت، این زیادی قوت است.^{۳۱}

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی هر کس که از ادیان حمایت کند و آنها را تقویت نماید، فتح مکه از او دور نمی‌ماند و منظور از آن انقیاد و بندگی نسبت به حق و التزام به آن می‌باشد. «لِيُظْهِرَهُ» یعنی او را با هدایت فرستاد و او توانا بر هر یک از امور می‌باشد. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی جنس و اصل دین، پس همه ادیان به جز دین او (اسلام) منسوخ می‌شوند.

بیشتر مفسرین بر این باورند که ضمیر «ه» در «لِيُظْهِرَهُ» به رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برمی‌گردد، ولی أظهر این است که به دین حق برگردد؛ یعنی رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با دین حق فرستاد تا آن را برتری دهد یعنی تا دین حق را بر ادیان برتری دهد. بنابراین معنا، احتمال دارد که فاعل إظهار (برتری دادن) خداوند باشد و نیز ممکن است فاعل، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد یعنی برای اینکه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دین حق را برتری دهد.^{۳۲}

۳۰- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۳۱- مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۳۳.

۳۲- همان، ج ۲۸، ص ۸۸.

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» منظور اسلام است و قولی نیز گفته شده که منظور رسول ﷺ به همراه غلبه و حجت می باشد.^{۳۳}

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی تا آن را بر همه جنس دین غالب و پیروز کند، با از بین بردن هر آنچه که وجود داشت.^{۳۴}

در المیزان معنای آیه این است که: خدا آن کسی است که رسول خود، محمد ﷺ را با هدایت - و یا با آیات و معجزات - و با دینی فرستاد که با فطرت و حقیقت آفرینش منطبق است، فرستاد تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد، هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند.

از این معنا به خوبی به دست می آید، ضمیری که در «لِيُظْهِرَهُ» است به دین حق بر می گردد، و متبادر از سیاق آیه هم همین است، پس اینکه بعضی احتمال داده اند که ضمیر مذکور به رسول ﷺ برگردد، و معنای آیه این باشد که «تا وی را بر دشمنان غلبه دهد، و همه معالم دین را به وی بیاموزد»، احتمال بعیدی است.^{۳۵} و کلمه «إظهار» وقتی در مورد چیزی علیه چیز دیگر استعمال می شود، معنای غلبه را می دهد، وقتی می گوییم دین اسلام را بر سایر ادیان إظهار داد، معنایش این است که آن را بر سایر ادیان غلبه داد. و منظور از همه ادیان، همه روش های غیر خدایی است که در بین بشر وجود دارد.^{۳۶}

جمع بندی:

با توجه به بررسی این سه آیه و روایات ذیل آن، برتری دین اسلام بر دیگر ادیان در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد و منظور از همه ادیان، همه روش های غیر خدایی است.

۳۳- همان، ج ۲۹، ص ۵۳۰.

۳۴- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۳۰۹.

۳۵- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷.

۳۶- همان، ص ۲۵۵.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ۲ جلد، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق، ج ۱.
۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، مؤسسه بعثه - قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۳. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. خسروی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۴ جلد، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه. ق.
۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ۵ جلد، اعلامی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق، ج ۱.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، اول، بیروت.
۱۱. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، اسماعیلیان - قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، المطبعة العلمیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

١٤. فيض كاشاني، ملا محسن، تفسير الصافي، ٥ جلد، انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ١٤١٥ ق.
١٥. قرشي بنابي، علي اكبر، قاموس قرآن، ٧ جلد، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ ششم، ١٤١٢ ق.
١٦. قمي مشهدي، محمد بن محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، تهران، چاپ اول، ١٣٦٨ ش.
١٧. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، ٢ جلد، دار الكتاب - قم، چاپ: سوم، ١٤٠٤ ق.
١٨. كوفي، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، ١ جلد، مؤسسه الطبع و النشر في وزاره الإرشاد الإسلامی، تهران، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
١٩. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بيروت)، ١١١ جلد، دار إحياء التراث العربی، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
٢٠. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ٢٦ جلد، دار الكتب الإسلاميه، تهران، ج ٥. چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.
٢١. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، مهدي موعود (ترجمه جلد ٥١ بحار الأنوار)، ١ جلد، اسلاميه - تهران، چاپ بيست و هشتم، ١٣٧٨ ش.
٢٢. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ١٤ جلد، دار الكتب العلميه - مركز نشر آثار علامه مصطفوي، بيروت - قاهره - لندن، چاپ سوم، ١٤٣٠ هـ. ق.